گزارش

بارسا در آستانه تکرار یک فاجعه آشنا

بازگشت ارواح رم و آنفیلد

بارسا با باخت ۳ بر یک مقابل دورتموند در مجموع با نتیجه ۵ بر ۳ به نیمه‌نهایی رسید اما نه با شکوه، نه با اقتدار. با تپش قلب، با عرق سرد، با یاد آن شب‌های نفرین‌شده رم و لیورپول. اگر شبح مانولاس از المپیکو و هیولای آنفیلد از خواب بیدار می‌شدند، تعجب نمی‌کردیم. این بار اما کمی شانس، اندکی تجربه و پدری از راه رسید تا از تکرار تراژدی جلوگیری شود.

■ **نیمه اول: تیمی که خودش نبود**

بارسلونا ۴ گل از بازی رفت در جیب داشت ولی انگار همه چیز را جا گذاشته بود. بازی را طوری شروع کرد که انگار حریف، تیمی از دسته پایین‌تر است و خودشان بدون زحمت بالا می‌روند.

دورتموند اما تیمی بود با ایده، با انگیزه، با آدیمی. زنبورها با فشار سنگین و بازی مستقیم، بارسا را خفه کردند. خط حمله بارسا؟ خواب‌آلود. خط هافبک؟ عصبی. خط دفاع؟ بی‌نظم.

گل اول روی پنالتی بچگانه، گل دوم روی شلوغی بعد از کرنر. ناگهان همه چیز داشت شبیه آن شب رم می‌شد. یا شاید شب لیورپول. حالا وقت بیدار شدن بود.

■ **پدری؛ داروی آرام‌بخش وسط توفان**

هانسی فلیک بالاخره فهمید بدون پدری، تیمش مثل اتوبوس بدون ترمز است. دقیقه ۶۰، پدری آمد. بلافاصله، توپ آرام گرفت، ریتم کند شد، اضطراب در زمین فرو نشست.

فرمین از راست نفوذ کرد، پاس داد، بن‌سبعینی اشتباه کرد، گل به خودی! بارسا یک گل زد بدون اینکه بخواهد.

■ **کابوس ادامه داشت اما...**

گل سوم دورتموند توسط گیراسی باز هم بارسا را برد به لبه پرتگاه. حالا فقط ۲ گل دیگر کافی بود تا یکی از بزرگ‌ترین بازگشت‌های تاریخ دوباره تکرار شود.

اما این‌بار نه خبری از مانولاس بود، نه از فیرمینو. تنها چیزی که بود، کمی نظم بیشتر، کمی چرخاندن توپ و دقایقی از بازی‌کشی در زمین حریف بود.

بارسا از آن پرتگاه خودش را کشید بالا. شاید زیبا نبود، شاید قهرمانانه نبود اما کافی بود.

■ **آمار، رکورد و نفس راحت**

برای اولین‌بار از ۲۰۱۹، بارسا به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان رسید. ۶ سال کابوس‌وار، بالاخره تمام شد.

اولین باخت سال ۲۰۲۵ هم رقم خورد. از ۲۱ دسامبر تا حالا، ۲۴ بازی بدون شکست بود که در سیگنال ایدونا پارک متوقف شد.

اما چه اهمیتی دارد وقتی راه نیمه‌نهایی باز است؟ وقتی تیم از شر شبح رم خلاص شده، وقتی لیورپول فقط یک خاطره است، نه یک تهدید.

■ **فلیک، بارسای نو و آزمون بعد**

بارسای فلیک هنوز کامل نشده. هنوز اشتباه دارد، هنوز گره ذهنی دارد، هنوز فشار بالا را بلد نیست کنترل کند.

اما چیزی دارد که بارسای والورده نداشت: انعطاف، شجاعت در تعویض و کمی بخت. همین‌ها برای رسیدن به نیمه‌نهایی کافی بود.

فلیک به دنبال «عظمت» است، خودش گفته. حالا نوبت بازی‌های بزرگ‌تر است، حریف‌های سخت‌تر و پاسخ به سؤال بزرگ‌تر: آیا این بارسا می‌تواند شبیه خودش باشد، حتی وقتی بازی به هم می‌ریزد؟

نقد

از ماست‌مالی رشوه تا کشاله ران کمیته انضباطی با ما شوخی دارد؟

نوع مواجهه کمیته انضباطی با تخلفات رخ‌داده به‌گونه‌ای است که گاهی اوقات تصور می‌شود آنها درباره این مسائل شوخی دارند و برخی مطالب را واقعی نمی‌گویند.

به گزارش تسنیم، توفان شبانه کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال با صدور احکام بازی‌های مختلف نه‌تنها ابهامات را برطرف نکرد بلکه حرف‌وحدیث‌های زیادی را به وجود آورد. مهم‌ترین رأی انضباطی مربوط به دیدار چادرملو و تراکتور بود که بر این اساس یک امتیاز از چادرملو کسر شد.

ابوالفضل حسن‌زاده، رئیس کمیته انضباطی در توجیه این موضوع گفته است: «از اختیارات قانونی استفاده شده است». موضوع اما دقیقاً همین‌جاست، گفته می‌شود در آرای انضباطی باید وحدت رویه وجود داشته باشد؛ چیزی که اکنون در فدراسیون فوتبال دیده نمی‌شود. اگر این اختیارات قانونی است چرا در مسابقات گذشته از آن استفاده نشده است؟ بازی‌هایی در همین فصل برگزار شده است که اتفاقاتی به‌مراتب بدتر در آنها رخ داده و حتی آسیب‌های جسمی شدیدی به تماشاگران وارد شده اما خبری از چنین حکمی نبوده است. رئیس کمیته انضباطی باید به این پرسش پاسخ دهد: مگر قانون سلیقه‌ای است که هر موقع دل‌مان خواست به آن استناد کنیم و هرگاه دوست نداشتیم رأیی متفاوت صادر کنیم؟ یعنی اگر دل‌مان خواست می‌توانیم از همین امروز شروع کنیم یا آن را به یک ماه دیگر موکول کنیم، پس در این میان تکلیف وحدت آرا چه می‌شود؟

مورد بعد حرکت شنیع شجاع خلیل‌زاده در دیدار با چادرملو است که نه قابل گفتن است و نه قابل انتشار، مدافع تراکتور در توجیه این حرکت گفته است؛ «کشاله پایش درد می‌کرده و به همین خاطر به کادر پزشکی این موضوع را اعلام کرده است». جالب اینجاست که حسن‌زاده با اشاره به این دفاعیه عنوان کرده است با مسؤولان ایفمارک درباره صحت این ماجرا صحبت و بعد از آن رأی را صادر خواهد کرد. رئیس کمیته انضباطی واقعاً پیش خودش چه فکری کرده و مخاطبان را چگونه دیده که این حرف را به زبان آورده است؟ کمیته انضباطی حتی به خودش زحمت نداده است فیلم مربوط به این حرکت را مرور کند و ببیند شجاع هنگامی که این کار را انجام می‌دهد پشت به نیمکت و رو به تماشاگران است و قاعدتاً در چنین شرایطی نمی‌توانسته است با کادر پزشکی تیمش حرف بزند.

کسی که یک دقیقه هم در فوتبال حضور داشته باشد می‌داند این حرکت ناشایست ارتباطی به مصدومیت ندارد اما عجبا که کمیته انضباطی در درک این موضوع ساده هم دچار مشکل شده است، البته سابقه نشان داده است حسن‌زاده یَد طولایی در چنین مواردی دارد؛ آنجا که بعد از مصاحبه بیرانوند درباره «شیرینی دادن» به هیات مدیره پرسپولیس گفت: «شیرینی دادن جرم نیست؛ فرد صراحتاً باید جرمی را منتسب کند، بیرانوند صرفاً نشر اکاذیب کرده است!».

پرسپولیس فردا با حضور صرفا هواداران خانم میزبان سپاهان در آزادی است

به ارزش یک جام

مهدی طاهرخانی

به حساس‌ترین جمعه فصل لیگ برتر ایران رسیدیم؛ جایی که سرنوشت قهرمانی می‌تواند با یک سوت، یک گل، یا حتی یک اشتباه داوری دگرگون شود. در حالی که تراکتور تا حدود زیادی تکلیف خودش را برای قهرمانی مشخص کرده و با امیدواری به بالای جدول چسبیده اما هنوز هیچ‌چیز تمام نشده است. فوتبال است دیگر، غیرقابل پیش‌بینی‌ترین اتفاق‌ها همیشه در همین هفته‌های آخر رخ می‌دهد.

فراموش نکنید اگر فردا جمعه یکی از ۲ تیم پرسپولیس یا سپاهان برنده شود و تراکتور در همان زمان مقابل ملوان غافلگیر شده و شکست بخورد، آن وقت ورق به طرز باورنکردنی‌ای برمی‌گردد و برنده دیدار آزادی، خود را در آستانه لمس جام می‌بیند. با این حال، تراکتور همچنان از نظر امتیازی شرایط خوبی دارد و شانس قهرمانی‌اش بالاست. اما چه کسی گفته تراکتور حتماً در ۲ بازی آینده‌اش برنده خواهد بود؟ چه کسی تضمین می‌دهد تیم اسکوچیچ مقابل ملوان و فولاد، دچار لغزش نشود؟ فوتبال است دیگر!

شاید یک ماه پیش کسی فکر نمی‌کرد پرسپولیس در تهران مقابل استقلال خوزستان امتیاز از دست بدهد. حتی کمتر کسی احتمال شکست پرسپولیس در نخستین بازی بهار مقابل شمس‌آذر را می‌داد اما اتفاق افتاد. همین غیرقابل پیش‌بینی بودن فوتبال است که حالا هواداران را چشم‌انتظار بازی سرنوشت‌ساز پرسپولیس - سپاهان نگه داشته است.

این بازی فقط یک مسابقه ۳ امتیازی نیست. یک تقابل حیثیتی، پر از حساب‌های تسویه‌نشده، انتقام‌های به تعویق‌افتاده و انگیزه‌های پنهان است. پرسپولیس زمستان امسال ۳ بار مقابل سپاهان شکست خورد: یک‌بار در بازی رفت لیگ، بار دوم در سوپرجام که در اراک برگزار شد و سومین بار در جام حذفی در اصفهان.

۳ شکست، با ۳ سرمربی مختلف: بازی رفت لیگ را مورایس از گاریدو برد. سوپرجام را کریم باقری به عنوان سرمربی موقت واگذار کرد و در نهایت، در جام حذفی، با وجود اینکه پرسپولیس تا دقیقه ۸۱ یک بر صفر از سپاهان پیش بود، اخراج امید عالیشاه همه‌چیز را به‌هم ریخت و بازی برده با نتیجه ۲ بر یک به سود زردهای اصفهان به پایان رسید.

کارتال هنوز آن شکست را فراموش نکرده. نزدیکانش می‌گویند آن بازی تأثیر عجیبی روی روحیه‌اش گذاشت. خودش در محافل خصوصی گفته: «برای من، تسویه حساب با سپاهان مهم است» و حالا، بازی فردا در ورزشگاه آزادی، همان روز موعود است؛ روزی برای انتقام و شاید فتح دوباره مسیر قهرمانی.

اما این مسابقه فقط در زمین جذاب نیست. در حاشیه نیز یک نکته تاریخی وجود دارد: این نخستین‌بار در تاریخ فوتبال ایران است که دیدار ۲ تیم پرسپولیس و سپاهان در ورزشگاه آزادی تنها با حضور بانوان برگزار می‌شود. بازی رفت ۲ تیم نیز بدون حضور آقایان بود اما آن مسابقه در اصفهان برگزار شد. این‌بار تهران میزبان ۲ تیم بزرگ است، با هواداران زن که بی‌وقفه تیم محبوب‌شان را تشویق خواهند کرد.

پرسپولیس تقریباً با تمام ستاره‌هایش وارد میدان خواهد شد. به‌جز امید عالیشاه که فصل را از دست داده، سایر بازیکنان در دسترس هستند. ترکیب اصلی آماده است تا با عبور از سد سپاهان، نیم‌نگاهی هم به لغزش تراکتور در تبریز داشته باشد. اگر تراکتور امتیاز از دست دهد، برنده این دیدار می‌تواند خودش را به صدر جدول نزدیک کند.

نکته مهم این است که مساوی به کار هیچ‌کدام از ۲ تیم نمی‌آید. پرسپولیس و سپاهان، هر دو فقط به برد فکر می‌کنند. مساوی، یعنی عقب افتادن از کورس قهرمانی. یعنی احتمال خداحافظی با جام. بنابراین از حالا مشخص است بازی فردا، یک بازی تمام‌عیار هجومی و پرریسک خواهد بود. نبرد تاکتیک‌ها، نبرد ذهن‌ها و شاید نبرد اعصاب.

از سوی دیگر، پرسپولیس در سال‌های اخیر در لیگ برتر بارها به قهرمانی رسیده اما یک آمار نگران‌کننده وجود دارد: این تیم از سال ۱۳۹۶ تا امروز، نتوانسته سپاهان را در ورزشگاه آزادی شکست دهد. این طلسم ۸ ساله، حالا به یک چالش ذهنی بزرگ برای سرخ‌ها تبدیل شده. آیا کارتال می‌تواند این طلسم را بشکند؟ آیا هواداران زن حاضر در استادیوم می‌توانند مثل یک نیروی پنهان، این گره را باز کنند؟

یک نکته دیگر را هم نباید فراموش کرد: اکثر بازی‌های بزرگ بین پرسپولیس و سپاهان، با کارت قرمز برای سرخ‌ها به پایان رسیده. اخراج‌های عجیب، لحظه‌های جنجالی و سکانس‌های پرحاشیه که در حافظه فوتبال‌دوستان باقی مانده. کارتال و تیمش باید حواس‌شان را جمع کنند. نه فقط برای بازی زیبا، بلکه برای کنترل احساسات. این بازی، حاشیه را می‌طلبد اما هر کارت قرمز می‌تواند تمام فصل را به باد بدهد.

جمعه، نه فقط برای پرسپولیس و سپاهان، بلکه برای تمام فوتبال ایران، یک روز ویژه است. اوج هیجان، در قالب یک ۹۰ دقیقه آتشین.

مسابقه‌ای که نه مساوی می‌پذیرد، نه عقب‌نشینی. یا ببر یا جام را فراموش کن.

منتظر بمانید! فوتبال ایران در آستانه یک انفجار احساسی است.

بیچاره بازنده

همه راه‌ها به جمعه ختم می‌شود. نه فقط برای سپاهان و پرسپولیس، بلکه برای آینده نزدیک فوتبال ایران. جمعه یک تیم زنده می‌ماند، یکی دیگر عملاً دفن می‌شود؛ بی‌نیاز به تشییع جنازه و فاتحه.

در ظاهر، هنوز بازی‌ها باقی است، هنوز امتیاز هست اما واقعیت تلخ این است: بازنده نبرد سپاهان و پرسپولیس باید دنبال سرگرمی‌ای تازه برای تابستان باشد چون نه قهرمانی نصیبش می‌شود، نه آسیا، نه حتی پلی‌آف. سهمش از فصل فقط «اگر» و «شاید» و «حیف» خواهد بود.

بازی جمعه چیزی شبیه یک بلیت مستقیم به آسیا نیست، بلکه چیزی بدتر است؛ بلیت یک‌طرفه به ناکامی. برنده، زنده می‌ماند. بازنده؟ باید با نایب‌قهرمانی عکس یادگاری بگیرد، البته اگر پیدا شد!

خیلی‌ها با استناد به بردهای قبل سپاهان برابر پرسپولیس، قضاوت کرده‌اند که کار تمام است اما فوتبال، خلاف‌کار خوش‌ذاتی است. حافظه ندارد. نه سوپرجام را یادش می‌ماند، نه بازی رفت و نه جام حذفی را. این بازی برای خودش قصه‌ای جداست. هر تیمی که اضطرابش کمتر باشد، کمتر بلرزد، برنده است. همین‌قدر بی‌رحم، همین‌قدر ساده. تراکتور؟ قهرمان قطعی؟ فوتبال در ایران به اندازه‌ای غیرقابل پیش‌بینی است که هوادار هم در ۳ هفته آخر می‌تواند ۷ امتیاز بگیرد، آن هم در حالی که جدول را از ته نگاه می‌کرده. تراکتور بازی معوقه با فولاد را باید در گرمای اهواز برگزار کند، آن هم در شرایطی که فولادی‌ها برای عنوان فاخر جان می‌دهند. ضمناً همان تراکتور هفته پیش به چادرملو امتیاز داد. پس نه، هنوز هیچ چیز قطعی نیست، حتی صدر جدول.

نکته اینجاست: سپاهان و پرسپولیس اگر جمعه را ببازند، نه فقط از کورس قهرمانی جا می‌مانند، بلکه باید لیگ نخبگان آسیا را از تلویزیون تماشا کنند. البته نه آن لیگ سطح پایین آسیایی که هیچ‌کس نمی‌فهمد چرا وجود دارد و به چه دردی می‌خورد. بحث لیگ نخبگان است، جایی که غول‌ها می‌روند.

فصل دارد می‌رود به نقطه جوش. حالا وقت دروغ نیست، وقت جا زدن نیست، وقت پنهان شدن پشت آمار و امیدهای موهوم هم نیست.

جمعه، یک تیم «تمام» می‌شود.

همین‌قدر قطعی، همین‌قدر بی‌احساس.

بررسی عملکرد مربیان خارجی لیگ برتر فوتبال ایران در فصل اخیر

پول‌قاپ‌ها

بهراد رشوند

در هیاهوی هفته‌های پایانی لیگ بیست‌وچهارم، جایی که صدای سوت‌ها و فریادهای سکوها کم‌رمق‌تر از همیشه است، ردپای تصمیم‌های اشتباه مدیرانی به‌چشم می‌خورد که با امضایی پرهیجان و نگاهی رؤیایی، میلیون‌ها دلار را در خاک فوتبال ایران دفن کردند؛ مربیانی خارجی آمدند، بی آنکه رد ماندگاری بگذارند و رفتند، بی‌آنکه حتی ردپایی بماند.

■ **پرسپولیس و گاریدو؛ شروع سرخ، پایان خاکستری**

هنگامی که تابستان سال گذشته در پرسپولیس بوی تغییر به مشام رسید، مدیران باشگاه با گاردی از تجربه و رزومه، «خوان کارلوس گاریدو» را از لالیگا به تهران آوردند. نخستین نفس‌های گاریدو روی نیمکت پرسپولیس، با لبخند و پیروزی همراه شد اما آسیا برای سرمربی اسپانیایی رنگ شکست داشت. نتایج ناامیدکننده در لیگ قهرمانان و سپس سقوط در جدول لیگ داخلی، صدای اعتراض را از سکوها به مدیریت باشگاه رساند. شکست مقابل مس رفسنجان تیر خلاص بود؛ گاریدو در سکوت رفت. نه چون فاتحی که جنگیده، که همچون مسافری که اشتباه پیاده شده بود.

■ **مورایس و سپاهان؛ رؤیای ناتمام در اصفهان**

سپاهان که خود را کاندیدای تاج‌گذاری می‌دید، برای سومین فصل پیاپی به ژوزه مورایس دل بست. او بازگشت، شاید با تردید، شاید با امید اما شکست تلخ برابر الاهلی در نخستین گام آسیایی، شوک را به اردوگاه زرد آورد.

با وجود پیروزی‌های متوالی در لیگ داخلی، با ناکامی در آسیا و ۲ استعفای متوالی، قصه مورایس به پایان رسید. در نهایت، کارترون فرانسوی آمد؛ با چمدانی بسته از تجربه و چند لبخند محتاطانه در کنفرانس معارفه.

■ **خیبر و اورلیو؛ جرقه‌ای که هیچ‌گاه شعله‌ور نشد**

خیبر خرم‌آباد، در نخستین تجربه‌اش در سطح نخست فوتبال ایران، تصمیمی شجاعانه اما عجولانه گرفت. مارکو اورلیو، مربی برزیلی، تنها ۲۷ روز فرصت داشت تا مهر خود را بر تیمی نوپا بزند. ۳ بازی، یک تساوی، ۲ شکست و وداعی بی‌صدا. خیبر، دوباره بومی شد؛ با سعید دقیقی روی نیمکت و خاطره‌ای محو از مربی‌ای که آمد تا بماند اما رفت بی‌آنکه اثری بگذارد.

■ **بوژوویچ؛ مردی با ۲ نیمکت، بی‌هیچ فتحی**

میودراگ بوژوویچ از بالکان به خوزستان آمد، در حالی که امید به بقا، انگیزه اصلی حضورش در استقلال خوزستان بود. نتایج ابتدایی نشان می‌داد شاید او از معدود خارجی‌های موفق فصل باشد اما ورق ناگهان برگشت. اختلافات مالی او را به کناره‌گیری کشاند و سپس سرنوشت، او را به تهران فرستاد تا روی نیمکت دیگر استقلال بنشیند. اما این انتقال نه از جنس ارتقا، که از جنس تکرار شکست بود؛ ۷ بازی، بدون برد. تنها صدای هوادارانی باقی مانده که دیگر امیدی ندارند.

■ **استقلال و مربیانی که تنها آمدند تا بروند**

آبی‌پوشان پایتخت، فصل را با جواد نکونام آغاز کردند اما باخت در داربی و سپس شکست آسیایی برابر السد، پرونده او را بست. پس از چند هفته، پیتسو موسیمانه از آفریقا آمد؛ با رزومه‌ای پربار اما ناشناخته در ایران. اما دلارهایی که به پای او ریخته شد، هیچ‌گاه به ثمر ننشست. نامه فسخ قرارداد، تهدید به شکایت و بازگشت استقلال به مربیگری بومی؛ مسیری پرپیچ‌وخم که حالا در بن‌بستی به نام بوژوویچ متوقف شده. تیمی که روزگاری مدعی قهرمانی بود، امروز در پی فرار از بحران هویت است.

■ **آسیب‌نگاری یک فصل گمشده**

می‌توان از تاکتیک حرف زد، از بدشانسی یا اشتباه داوری نوشت اما آنچه در این فصل از فوتبال ایران مشهود بود، غیبت خرد مدیریتی و هیجان‌های موقت بود که به بهای میلیون‌ها دلار تمام شد. استقلال، پرسپولیس، سپاهان و دیگران، در تلاشی نافرجام برای واردات معجزه، مربیانی آوردند که نه «فرشته نجات» بودند، نه «سازنده نظم». تنها اسمی روی نیمکت، عددی در قرارداد و خاطره‌ای در حافظه‌ای که دوست دارد فراموش کند.

با تلاق تحریم‌ها؛ پای اروپا در گل فرو رفت

نگاه

ادامه از صفحه اول

سیاست‌های تحریمی غرب علیه روسیه نیز همچنان پابرجاست و اگرچه برخی گزارش‌ها از مقاومت اقتصاد روسیه در برابر این تحریم‌ها حکایت دارد اما تردیدی نیست که این سیاست‌ها، روابط اقتصادی اروپا با یکی از مهم‌ترین تامین‌کنندگان انرژی و مواد اولیه خود را بشدت مختل کرده است.

قطع یا کاهش چشمگیر صادرات گاز روسیه به اروپا همچنان به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل افزایش قیمت انرژی و در نتیجه، افزایش تورم در کشورهای اروپایی شناخته می‌شود. تلاش‌های اتحادیه اروپایی برای متنوع‌سازی منابع انرژی خود و یافتن جایگزین‌هایی برای گاز روسیه، اگرچه پیشرفت‌هایی داشته اما نتوانسته به طور کامل خلأ ناشی از کاهش عرضه گاز روسیه را پر کند. علاوه بر این، منابع جایگزین اغلب با قیمت‌های بالاتری در دسترس هستند و این امر، همچنان فشار قابل توجهی بر اقتصاد اروپا وارد می‌کند.

■ **اختلال در زنجیره تأمین و افزایش هزینه‌های تولید**

تحریم‌های اعمال شده بر روسیه، علاوه بر حوزه انرژی، زنجیره‌های تامین جهانی را نیز تحت تاثیر قرار داده و منجر به افزایش هزینه‌های تولید برای صنایع اروپایی شده است. روسیه به عنوان یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم برخی مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، نقش مهمی در زنجیره تامین جهانی ایفا می‌کرد. اختلال در تجارت با این کشور باعث شده شرکت‌های اروپایی با مشکلاتی در تامین مواد اولیه مورد نیاز خود مواجه شوند و در نتیجه، هزینه‌های تولید آنها افزایش یابد. این افزایش هزینه‌ها، در نهایت به افزایش قیمت محصولات برای مصرف‌کنندگان اروپایی منجر شده و به فشارهای تورمی دامن زده است.

■ **صنایع اروپایی در گرداب مشکلات**

صنایع کلیدی در اروپا - از جمله صنایع خودروسازی، شیمیایی، فولاد و تولید مواد غذایی - همچنان با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می‌کنند. افزایش هزینه‌های انرژی و مواد اولیه، در کنار کاهش تقاضای ناشی از تورم و کاهش قدرت خرید مردم باعث شده بسیاری از شرکت‌ها با کاهش سودآوری و حتی خطر تعطیلی مواجه شوند. گزارش‌های رسیده از مراکز صنعتی اروپا حاکی از آن است بسیاری از کارخانه‌ها مجبور به کاهش ساعات کاری یا تعدیل نیرو شده‌اند و این امر، نگرانی‌ها از افزایش نرخ بیکاری و رکود صنعتی را افزایش داده است.

■ **نگرانی‌های اجتماعی و شکاف‌های سیاسی**

بحران اقتصادی در اروپا به طور فزاینده‌ای به نارضایتی‌های اجتماعی دامن می‌زند. افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی بویژه در بخش‌های انرژی و مواد غذایی باعث شده بسیاری از شهروندان اروپایی برای تامین نیازهای اولیه خود با مشکلات جدی مواجه شوند. این وضعیت، احتمال بروز اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی را در کشورهای مختلف اروپایی افزایش داده است.

از نظر سیاسی نیز بحران اقتصادی شکاف‌های موجود در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپایی را تشدید کرده است. در حالی که برخی کشورها خواستار بازنگری در سیاست‌های تحریمی و یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ اوکراین هستند، برخی دیگر بر ادامه فشار بر روسیه از طریق تحریم‌ها تاکید دارند. این اختلافات، انسجام و وحدت اتحادیه را در مقابله با بحران اقتصادی تضعیف کرده است.

■ **تغییری در راه است؟**

با گذشت بیش از ۳ سال از آغاز بحران و تداوم مشکلات اقتصادی در اروپا، این سوال به طور جدی مطرح می‌شود: آیا کشورهای غربی در سیاست‌های تحریمی خود تجدید نظر خواهند کرد؟ برخی تحلیلگران بر این باورند فشارهای فزاینده اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی، دولت‌های اروپایی را مجبور خواهد کرد رویکرد خود را در قبال روسیه تغییر داده و به دنبال راهکارهای جایگزین برای حل بحران اوکراین باشند.

با این حال، گروه دیگری معتقدند تعهدات سیاسی و فشارهای بین‌المللی، مانع از تغییر اساسی در سیاست‌های تحریمی غرب خواهد شد و کشورهای اروپایی همچنان به تحمل هزینه‌های اقتصادی این سیاست‌ها ادامه خواهند داد.

■ **نگاهی به آینده تاریک اقتصاد اروپا**

چشم‌انداز اقتصاد اروپا در میانه‌های سال ۱۴۰۴ چندان روشن به نظر نمی‌رسد. تداوم جنگ در اوکراین و پافشاری بر سیاست‌های تحریمی می‌تواند منجر به رکود عمیق‌تر و طولانی‌تر در این قاره شود. تبعات اجتماعی و سیاسی این وضعیت نیز می‌تواند بسیار گسترده و پایدار باشد. در مقابل، هرگونه پیشرفت در جهت حل دیپلماتیک بحران اوکراین و کاهش تنش‌ها با روسیه می‌تواند بارقه‌ای از امید را در دل اقتصاد اروپا زنده کند. با این حال، حتی در صورت تحقق چنین سناریویی نیز اقتصاد اروپا برای بازگشت به مسیر رشد پایدار نیازمند اصلاحات ساختاری و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خواهد بود.

بررسی وضعیت کنونی اقتصاد اروپا در آوریل ۲۰۲۵ نشان می‌دهد سیاست‌های تحریمی غرب علیه روسیه، نه تنها نتوانسته به اهداف مورد نظر دست یابد، بلکه به تشدید بحران اقتصادی در کشورهای اروپایی نیز منجر شده است. به نظر می‌رسد وابستگی متقابل اقتصادی بین اروپا و روسیه بویژه در حوزه انرژی باعث شده این تحریم‌ها به مثابه یک شمشیر دولبه عمل کرده و بیش از آنکه به طرف مقابل آسیب برساند، کشورهای تحریم‌کننده را متضرر کند. با تداوم این وضعیت، این سوال جدی مطرح است: آیا کشورهای اروپایی قادر خواهند بود با تحمل هزینه‌های سنگین اقتصادی، به اهداف سیاسی خود در قبال روسیه دست یابند یا اینکه فشارهای فزاینده اقتصادی، آنها را مجبور به بازنگری در سیاست‌های خود خواهد کرد؟ آینده نشان خواهد داد آیا زمستان سخت اقتصاد اروپا در سال ۱۴۰۴ به پایان خواهد رسید یا خیر.